شرح بیتی از حافظ

دکتر مهدی نوریان

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

اشاره

مباحثی که با عنوان «شرح بیتی از حافظ» برای چاپ در چند شماره در اختیار فصلنامه‌ی دریچه قرار داده‌ام، حاصل بحث و تحلیل این ابیات در کلاس‌های دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اصفهان است که توسط اینجانب در سال‌های اخیر انجام گرفته. از دانشجوی علاقمند و مستعد این دوره سرکار خانم گلپر نصری که زحمت تحریر و تنظیم اولیه‌ی این تقریرات را به دوش گرفته‌اند، سپاسگزارم.

آنجا که کار صومعه را جلوه می‌دهند
ناموس دیر راهب و نام صلیب هست

این بیت، از ابیات دیریاب و اختلاف‌انگیزِ خواجه‌ی شیراز است که شارحان و حافظ‌پژوهان درباره‌ی آن آرای گونه‌گون و ناهمسان دارند.

بیت مورد بحث از چند منظر، محل درنگ و غوررسی است؛ نخست این که صورتِ درست‌تر و وجهِ دلپسندتر، «ناموس» است یا «ناقوس»، دیگر این که معنای بیت چیست و سه‌دیگر این که پیوستگیِ بیتِ منظور، با بیت پیش از خود درغزل [در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست/ هرجا که هست پرتو روی حبیب هست] چگونه برقرار می‌شود.

آقای بهاءالدین خرمشاهی در شرح بیت نوشته است:

«جلوه و رونق صومعه از مدد شعائر و مقدساتی چون ناقوس و صلیب است؛ یعنی بدون شعائر و مقدسات نمی‌توان یک نهاد دینی یا صوفیانه‌ی کارآمد داشت؛ اگر معنای بیت، رابطه ای با بیت قبلی [در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست...] داشته باشد، مرادش در بیت قبلی این است که عشق عرفانی بیرنگ است، ولی بعضی برای رونق دادن به حزب و فرقه‌ی خود به آن رنگ‌هایی می‌دهند یا پیرایه‌هایی از صلیب و ناقوس

و دیر می‌بندند... معنای دیگری هم می‌توان باز با توجه به بیت قبلی برای این بیت قائل شد؛ می‌گوید با وجود تفاوتِ مقدسات و شعائرِ مسیحیت و اسلام، یا هر دین با ادیان دیگر، وحدت و حقیقت مشترکی بین ادیان هست و صلیب و ناقوس که از نظر مسلمانان مقدس نیست، نهایتاً به رونق صومعه مدد می‌رساند و مجازی است که به حقیقت می‌پیوندد.» (حافظ نامه، ج۱/ ۳۳۸)

آقای ذکاوتی قراگوزلو، در مقاله‌ای، ضمن معرفیِ کتاب حافظ‌نامه، از درِ استحسان، به نکاتی اشاره کرده است؛ در انجام سخن، از معنای این بیت خرده‌گیری کرده و پس از نقل جمله‌ی نخست از نوشته‌ی خرمشاهی، گفته است: «ظاهراً مطلب این نیست؛ ناقوس ربطی به صومعه ندارد؛ بلکه مربوط به دیر و راهب است که در مقابل و مقابله‌ی صومعه قرار می‌گیرد و نظیر این شعر ابوالعلاء معرّی است:

هـذا بنـــاقوس یـــــدق
و ذا بمـــأذنهٔ یصیـــح
کـــــل یعظـــــم دینَه
یا لیت ادری ما الصحیح!*

(کتابی پر برگ و بار در حافظ پژوهی/ ۴۳)

دکتر زرین کوب در ایضاح معنای «صومعه» نوشته است: «صومعه در لسان حافظ، در معنی خانقاه صوفی و زاهدست و بدین گونه عبادتگاه اهل اسلام است نه متعبَّد رهبان نصاری.» و سپس افزوده‌است: «باری از مقایسه‌ی بیت مانحن فیه با بیت ماقبل [در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست...] پیداست که دیر راهب، تعبیری از خرابات است و صومعه تعبیری از خانقاه؛ مراد شاعر هم آنست که در عشق حق، بین طریقه‌ی راهب ترسا در دیر و شیوه‌ی زاهد مسلمان در خانقاه فرقی نیست، هرجا که هست پرتو روی حبیب هست. مطلع غزل هم که معشوق را در پرده تصویر می‌کند و با این‌همه از هزاران طالب و رقیب که جویای وصال او هستند یاد می‌کند، نشان می‌دهد که کلام در بیت مورد نظر باید مبنی بر آن باشد که راهب ترسا هم همان عشقی را در سر دارد که صوفی مسلمان از آن دم می‌زند و در عشق بین دیر ترسا و خانقاه صوفی تفاوت نیست. بدین گونه مضمون مبنی بر قول به عدم تفاوت در ادیان الهی است.» (نقش بر آب/ ۳۷۶- ۳۷۷)

در یکی از شروح حافظ، این بیت چنین معنا شده‌است:

«در اینجا جلوه دادن کار صومعه، یعنی این که صوفیان عبادت و ریاضت خود را به رخ دیگران می‌کشند یا برتر از عبادات فرقه های دیگر می‌دانند. اما جلوه‌ی صوفیان و عبادت راهبان، هردو راه به یک سرمنزل می‌برد و اگر پذیرفته باشد، هردو در درگاه حق پذیرفته است و فرقی ندارد.» (درس حافظ/ ۲۲۸)

برخی معانی که شارحان به دست داده‌اند، به کلی با سیاقِ بیت بی‌پیوند است؛ برای نمونه در کتابی که چاپ چهل و چندم از آن نیز منتشر شده است، می‌خوانیم:

«برای آراستن و رونق عبادتگاه درویشان ناقوس صومعه‌ی کشیش و اسم چلیپا نیز بکارست، یعنی در طریق خواستاری حق و عشق به آفریننده‌ی هستی که یکی بیش نیست، همه‌ی بندگان خدا می‌توانند همگام و متفق باشند.» (شرح خطیب رهبر/ ۸۹)

در شرح غزل‌های حافظ، نگاشته‌ی مرحوم حسینعلی هروی نیز آمده است:

«مضمون دنباله‌ی بیت قبلی است که گفت در عشق میان خانقاه و خرابات فرقی نیست؛ در این بیت می‌گوید جایی که موضوع کار عبادتگاه مسلمانان طرح می‌شود و آن را عرضه می‌دارند، از ناقوس و رهبان مسیحی نیز سخن به میان می‌آید – مسیحیت هم مطرح است. اسلام و مسیحیت با هم اشتراک معنی و مقصود دارند. پس «آنجا» در بیت مراد پیشگاه خداوند است. (شرح غزلهای حافظ، ج۱/ ۲۸۹)

با پاسداشتِ آراء این نویسندگان، می‌افزاییم: از سی و شش نسخه‌ی خطیِ سده‌ی نهم، ضبطِ بیست و سه نسخه، ناموس و ده نسخه، ناقوس است. در سه نسخه هم به نظر می‌رسد که نوشته‌ی اصلی ناموس بوده و بعداً به ناقوس تغییر یافته است. (نگ. دفتر دگر سانی ها، ج۲۷۶/۱) جدا از آن، چنان که پژوهندگانِ دیگر هم گفته‌اند، تناسب ناموس را با نام و جلوه نمی توان فروگذاشت و نادیده انگاشت.(نگ. صحت کلمات/ ۱۳۷؛ حافظ خانلری/ ۱۲۳۳؛ «گزارد حق حافظ خلخالی»/ ۴۴، حافظ برتر.../ ۱۰۱)

استاد خانلری در این باره نوشته‌است: «حافظ این دو کلمه (ناموس و نام) را غالباً با یکدیگر می‌آورد که نوعی جناس از آن می‌سازد؛ «ناموس» به معنیِ قانون و شریعت و نیکنامی است و «نام» به معنیِ حسن شهرت و معروفیت.» (حافظ خانلری/ ۱۲۳۳)

اما برخی از صاحب‌نظران در این باره رأیی دیگر دارند و ضبط نسخه‌ی مورخ ۸۲۷ را که اساس چاپ مرحوم عبدالرحیم خلخالی است، اصح و ارجح دانسته‌اند؛ از جمله، آقای مهدی برهانی در مقاله‌ای می‌نویسد: «شک نیست که در ضبط خانلری، توجه به تناسب «ناموس و

از سی و شش نسخه‌ی خطیِ سده‌ی نهم، ضبطِ بیست و سه نسخه، ناموس و ده نسخه، ناقوس است. در سه نسخه هم به نظر می‌رسد که نوشته‌ی اصلی ناموس بوده و بعداً به ناقوس تغییر یافته است

نام» شده... اما گشتن به دنبال ناموسِ دیر راهب آن هم در شعرِ حافظ، کار مشکلی است و این تصور در من از اینجا ایجاد شد که در کتابیِ خطی و قدیمی (که فعلاً متأسفانه دست رسی بدان مستحیل است) «دیر راهب» را نام یکی از گوشه‌های دستگاه «نوا» و احتمالاً راست پنجگاه ذکر کرده بود...با این تصور می‌توان برای «ناقوس دیر راهب» دلیلی منطقی جست.» (حافظ شناسی، ج۱/ ۸۱)

بله، دیر راهب آن‌گونه که نوشته‌اند از گوشه‌های موسیقی ایران یا چیزی شبیه به آن است، اما چندان کهن نیست که به عهد حافظ برسد؛ در واژه نامه‌ی موسیقی می‌خوانیم:

«دیر راهب: از تعزیه‌های مذهبیِ ایران؛ بعضی برآنند که گوشه‌ی رُهاب منسوب به آنست و بعضی خودِ دیر راهب را از گوشه‌های ردیف موسیقیِ ایران ذکر نموده‌اند (ردیف استاد حسن کسایی؛ نوار ضبط شده از رادیو)... در ردیف موسیقیِ ایران چنین نامی مشهود نیست.» (واژه نامه‌ی موسیقی ایران/ ذیل مدخل)

البته صاحب واژه‌نامه‌ی موسیقی در ادامه نوشته‌است: «بعید نمی‌نماید که دیر راهب به آوازی مشهور بوده»، سپس این بیت از فردوسی را به عنوان شاهد مثال نقل کرده‌است:

همان گاه راهب چو آوا شنید
فرود آمد از دیر و او را بدید

اما دیر و راهب در بیت شاهد، در معنای اصلیِ خود (= پرستشگاه مسیحیان و...) به کار رفته و علی‌الظاهر، هیچ پیوندی با معنای اراده شده ندارد.

با وجود این، شاید ناقوس هم به کُلّی بی‌وجه نباشد؛ زیرا ناقوس از آن جهت که بانگی بلند دارد، با دَمِ بوق و آوایِ کَرنا اعلام کردن و شنوانیدنِ عبادت را فرایاد می‌آورد. به بیان دیگر، با آن که ناموس، صورتِ مطبوع و وجهِ مرجّح است، به‌یقین خودِ حافظ هم به شباهتِ صوری و نوشتاری این واژه با ناقوس، و تناسبِ ناقوس با صلیب و دیر و فضای کُلّیِ بیت، بی‌توجه نبوده است.

بیشتر حافظ‌شناسان، این بیت را نیز مانند بیت پیشین [در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست...] مثبت تلقی کرده‌اند و تاکیدی بر آن دانسته‌اند؛ در این معنا، «صومعه» برابر «خانقاه» و «دیر راهب» برابر «خرابات» در بیت قبل است و حافظ در این بیت هم می‌گوید: «...در مقابل جلوه‌سازی و تظاهر به عبادت و پارسایی در صومعه، آن طرف‌تر ناقوس دیر راهب و نام صلیب هم وجود دارد؛ یعنی اینکه مبادا زاهد صومعه‌دار، تقدس را در انحصار خود بداند؛ هرجا که هست، پرتو روی حبیب هست.» (بحثی در معنای.../۳۹)

اما اشکال کار در اینجا است که «صومعه» و «جلوه دادن کار آن» از سویی، و «نام» و «ناموس» از سوی دیگر، در شعر حافظ مذموم و ناستوده است.

در شرح و ایضاح بیت، دو نکته را باید پیش چشم داشت: نخست این که حافظ از صومعه (= خانقاه؛ جایگاهِ صوفیانِ دورویه و عابد نمایان) رویگردان است و نفرت از ریا و سُمعه در سراسر دیوان او موج می‌زند. از این روی، در معناگُذاریِ بیت باید بیان تعریض‌آمیز او را در نظر آورد. و دیگر این که مرکز ثقل بیت، جلوه دادن است؛ جلوه دادن در لغت نامه‌ی دهخدا به این معنا مضبوط است: «به وضع خوش عرضه دادن و آرایش کردن.»

ما بیت را با لحاظِ هردو صورت (ناموس و ناقوس) این چنین معنا می‌کنیم؛

با در نظر گرفتن ناقوس:

آنجا که کار صومعه را جلوه می‌دهند؛ نیم‌بیتِ نخست، درباره‌ی کسانی است که در صومعه (= خانقاه) نشسته‌اند و در پی جلوه دادن طاعات و عباداتِ خود و کسب خوشنامی هستند تا در نظرِ خلق، شهرت و اعتبار به دست بیاورند؛ از نگاهِ حافظ، کاری که این زُهدفروشانِ عابدنما برای آوازه‌جویی و نیکنامی انجام می‌دهند، به عین، همان کاری است که در دیر، با ناقوس و صلیب و... می‌کنند؛ یعنی عابدنمایانِ خانقاه‌نشین، همچون دیرنشینان، فقط به ظواهر و نمودهایِ عبادت بسنده

از نگاهِ حافظ، کاری که این زُهدفروشانِ عابدنما برای آوازه‌جویی و نیکنامی انجام می‌دهند، به عین، همان کاری است که در دیر، با ناقوس و صلیب و... می‌کنند؛ یعنی عابدنمایانِ خانقاه‌نشین، همچون دیرنشینان، فقط به ظواهر و نمودهایِ عبادت بسنده کرده‌اند

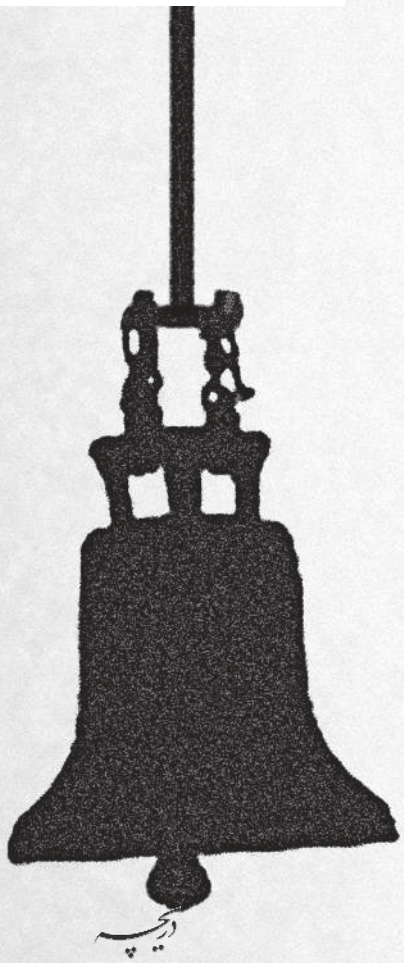

کرده‌اند. حال اگر کسی بپرسد، چرا حافظ این دو دسته را به هم مانند کرده و هم‌تراز دانسته است، باید پاسخ داد: در قرآن است که: (إنَّ الدینَ عندَ الله الاسلامُ: آل عمران/ ۱۹) و (من یبتَغِ غَیرَ الإسلامِ دیناً فَلَن یُقبَلَ مِنه وَ هُوَ فی الآخِرَه مِنَ الخاسِرینَ: آل عمران/۸۵)؛ پس دیرنشینان و اصحاب کلیسا در سنّت ادبی، بیرون از دایره‌ی ایمانند. حافظ به آن کسان که در خانقاه کار خود را آراسته جلوه می‌دهند، می‌گوید کارتان هیچ تفاوت با آن کاری که در کلیسا و دیر راهب انجام می‌گیرد، ندارد؛ یعنی شما نیز خارج از حلقه‌ی ایمانید، که: (الکُفرُ مِلَّه واحده). شاعر میان دو مصراع، تسویه و این‌همانی برقرار کرده‌است. نثر بیت با در نظر گرفتن معنای کلمات چنین است: آنجا که کارِ خانقاه (= عبادت و خدا پرستیِ خود) را رنگ و لعاب و جلوه می‌دهند، ناقوس دیر راهب هم هست؛ یعنی این (= رنگ و لعاب دادنِ عبادت در خانقاه) نظیرِ همان (= ناقوس زدن در کلیسا برای اعلام حضور و جلب نظر) است؛ به بیان دیگر، همچنان که ترسایان با کوفتن ناقوس می‌خواهند به بانگ بلند حضورِ خود را اعلام کنند و خَلق را از عبادت و دینداری خود بیاگاهانند، صوفیان نیز با جلوه دادنِ عبادت و نمایاندن آن در پیِ اعلام وجودند.

با در نظر گرفتن ناموس:

ناموس بار معنایی منفی دارد؛ در شعرِ حافظ، ناموس، ریا و شهرت‌جویی و طلب خوشنامی است؛ همچنان که در این ابیات از سعدی:

ندانی که بابای کوهی چه گفت
به مردی که **ناموس** را شب نخفت
برو جان بابا در اخلاص پیچ
که نتوانی از خلق رَستن به هیچ
(بوستان/ ۱۴۲)

نام و ناموس، یک بار در دیوان حافظ در کنارِ هم به کار رفته است؛ آن هم در بیت زیر:

ساقی بیار باده که مـاه صیـــام رفت
درده قدح که موسم **ناموس** و **نام** رفت
(دیوان حافظ/۱۸۴)

حافظ به صومعه‌نشینانی که هدفشان از عبادت، جلوه دادن و به رخ کشیدن است، می‌گوید: با کسانی که در دیر راهب به دنبال خوشنامی و آوازه هستند، تفاوتی ندارید. به بیان رساتر، اعمالی که در صومعه برای کسب نظرِ دیگران انجام می‌شود، عین اعمالی است که در دیر راهب برای جلب توجّه خلق انجام می‌دهند؛ همچنان که به گواهیِ بیت قبل، در عشق و عبادتِ راستین میان خانقاه و دیر راهب فرقی نیست و خانقاه تمایزی بر دیر راهب ندارد، در عبادت‌فروشی و خودنمایی هم فرقی میان آن دو نیست؛ یعنی این (= جلوه فروشی صوفیانِ خانقاهی) همان (= نام و ناموس جویی دیر نشینان) است.

امید که آنچه در این گفتار آمد، راهگشایِ حل مجهولی باشد و گره از بیت فروبسته‌ای بگشاید. والسلام.

پی نوشت

* معنای ابیات عربی: این یکی ناقوس می‌کوبد و آن یکی در مأذنه (= جای اذان) بانگ می‌زند؛ هرکس دین خود را بزرگ می‌دارد. کاش درمی‌یافتم کدام درست است.

منابع

۱. «بحثی در معنای چند بیت از حافظ»، علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، گلچرخ، شماره‌ی سوم.
۲. بوستان، سعدی‌شیرازی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۵.
۳. حافظ برتر کدام است؟، رشید عیوضی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۴. «حافظ قزوینی- غنی یا خانلری، کدام؟»، مهدی برهانی، حافظ شناسی، جلد اوّل، به کوشش سعید نیاز کرمانی، تهران: پاژنگ، ۱۳۶۶.
۵. حافظ‌نامه، بهاء الدین خرمشاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۶. درس حافظ (نقد و شرح غزل های حافظ)، محمد استعلامی، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۷. دیوان حافظ، به کوشش پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.
۸. دیوان حافظ، با معنیِ واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر وزن و...، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفیعلیشاه، ۱۳۷۷.
۹. دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ، سلیم نیساری، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۵.
۱۰. شرح غزلهای حافظ، حسینعلی هروی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۷.
۱۱. صحت کلمات و اصالت غزل ها (الف تا پایان ز)، مسعود فرزاد، شیراز: دانشگاه پهلوی، کانون حافظ شناسی، ۱۳۴۹.
۱۲. «کتابی پر برگ و بار در حافظ پژوهی [معرفی و نقد حافظ نامه]»، علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، کیهان فرهنگی، سال پنجم، شماره‌ی ششم.
۱۳. «گزارد حق حافظ خلخالی»، جمشید سروشیار، نشر دانش، سال پانزدهم، شماره‌ی سوم.
۱۴. نقش بر آب، عبدالحسین زرین کوب، تهران: سخن، ۱۳۷۴.
۱۵. واژه نامه‌ی موسیقیِ ایران زمین، ۲جلد، مهدی ستایشگر، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴ (جلد دوم: ۱۳۷۵).